

## کشور داری دوران ساسانی و تأثیر آن در دستگاه سلجوقیان بزرگ

این مطلب، یعنی تاثیر روشهای اداری و دیوانی دوران ساسانی در ادوار بعد از اسلام، مطلبی است بسیار دامنه دار و بحق باید درباره اش يك كتاب يا رساله مستقل تدوین کرد، چونکه ایرانیان از قدیم در فن مملکتداری و اداره کشور کاردانی و مهارت داشتند، بقول جاحظ نویسنده و محقق معروف عرب در قرون اولیه اسلامی: در میان ملل عالم برخی در فنون عملی و بعضی در فصاحت و بلاغت و پاره ای در ایجاد و اداره امپراتوریها، گروهی در فن لشکر کشی استادند، من در نتیجه مطالعاتم باین نتیجه رسیده ام که یونانیان از فلسفه و ساختمان چیزها نبوغ دارند، چینی ها هنرمندان چیره دستی هستند، ترکان جنگاورانی دلیرند، اعراب بیابان نشین در حماسه سرائی و فصاحت و بلاغت سرآمد اقران هستند، بدیهی است هر ترکی جنگاور و هر عربی شاعر نیست اما آنچه مسلم است و بدان نمیتوان شك کرد اینست که شاهان ساسانی در فن سیاست و اداره و حکومت بی نظیر بودند و باید بایشان درین باره تاج افتخار بخشید.

هنگامی که به علل داخلی و خارجی سلسله ساسانی منقرض شد و اعراب با سلاح برنده و فاطح (اسلام) در امپراتوری بزرگ ساسانیان نفوذ کردند، خواهی نخواهی پس از مدت کوتاهی تحت تاثیر تمدن ریشه دار و اساسی ایران قرار گرفتند



و اگر چه با تمام قوا کوشیدند که مقاومت کنند و تمدن ایرانی را نپذیرند ، مدت زیادی نگذشت که شعله های فرهنگ و تمدن ایران لابلای خاکستر جنگهای جلولا و نهاوند نمودار شد و بسراسر امپراتوری اسلام روشنی و نور داد ، این تمدن و فرهنگ با جنبه های گوناگون خود در سراسر این امپراتوری عظیم از فلات پامیر که سرزمین بودائیان بود تا قلب اسپانیا که مقر حکمرانی امیران متعصب کاتولیک بود نفوذ کرد و گسترش یافت از جنبه های مختلف تمدن آنچه را که مامورد بحث قرار می دهیم عبارتست از تشکیلات دیوانی مملکت در دوران سلجوقیان بزرگ و نکات مشابه و مشترك آن با سازمان اداری ساسانیان . پیش از شروع مطلب باید بعرض برسانم که دوران اسلامی در ایران يك دوره مجزا و مستقل از دورانهای پیشین نبود . پیروزی اسلام دین گروه پیشماری از ناراضیان از آئین زرتشتی را تغییر داد اما زبان مردم ایران مدتی مدید بر جای ماند و پس از آنکه ایرانیان در بین المللی کردن زبان عربی در خاک این امپراتوری مجاهدت کردند دو باره زبان ملی خود را احیا نمودند و ادبیات ایران دوباره تجلی کرد ، آداب و رسوم ایرانی نه تنها از بین نرفت بلکه در نقاط دیگر این امپراتوری نیز رخنه کرد . اما اعراب که قدرت را بدست گرفته بودند برای اداره مملکت به آئین کشورداری ایرانیان نیاز داشتند و بدون اخذ و بکار بردن آن قادر به اداره مملکت نبودند .

لازم به تذکر نیست که مطالعه تاریخ و تحولات اجتماعی ایران و بررسی تشکیلات اداری دولت سلجوقی بدون بررسی تحولات ایران در طی این چهارصدسال امکان پذیر نیست و بخصوص برای یافتن اثرات فرهنگ و تمدن ساسانی در عصر سلجوقی باید این دوران چهارصدساله را با دقت ، بررسی کرد و نتیجه گرفت که ایرانیان در طی این چهارصد سال چگونه در تمام شئون فرهنگی و سیاسی عالم نقش ممتاز خود را ایفا کردند و سرانجام بس از قرنهای مبارزه با دو عنصر قوی فاتح یعنی عرب و ترك حکومتی ائتلافی ازین دو قدرت که تاروپودش با تمدن



و فرهنگ ایران بهم پیوستگی داشت به وجود آوردند این عمل یعنی تشکیل دولتی که از ائتلاف سه قدرت: نیروی نظامی ترکان، نیروی معنوی اسلام و نیروی فرهنگی و اداره ایرانیان توسط خواجه نظام الملک که يك دهقان زاده ایرانی از مردم طوس بود صورت گرفت.

حقیقت مطلب اینست که حکمرانان عرب هیچوقت خود را از کارشناسان و مدیران ایرانی برای اداره مملکت بی نیاز نمی دیدند، برای نخستین بار در عهد خلافت عمر چیزی شبیه دیوان باکمک ایرانیان ترتیب داده شد، ازقراری که در کتاب الفخری آمده است، هنگامی که عمر خلیفه اسلام در چگونگی تقسیم غنائم جنگ که چون سیل از ایران می رسید درمانده بود و نمی دانست چه بکند، دست بدامان يك نفر ایرانی که در دستگاه دیوانی دولت خود کار کرده بود زد، ایرانی مزبور پیشنهاد کرد که دفتری بنام دیوان تأسیس شود و هم درآمدها و هزینه ها در آن ثبت گردد و این اداره اختیار بازرسی همه دخل و خرجها را داشته باشد و مستمریها در آن ثبت شود، ازین جوانه کوچک بود که دستگاه عظیم دولتی خلفا برای مدت چندین قرن کشورهای زیر فرمان خود را اداره می کرد (۲) اصولاً صرفنظر از مسئله ریاست و حاکمیت، سازمان اداری عمر شباهت تامی به سازمان ساسانیان داشت (۳)

ازاین بعد کشور داری ایرانیان سر مشق اعراب گردید. هشام خلیفه اموی برای اینکه بهتر بکار مملکتداری بپردازد دستور داد که کتابی مربوط به دوران ساسانی به عربی تهیه کنند و آن را با صورت شاهنشاهان ساسانی و رنگهای گرانبها بیاریند درین کتاب فصولی راجع به روشهای سیاسی و اداری ساسانیان وجود داشت و عبد الملک خلیفه دیگر اموی که مظهر عصیبت عرب بود می گفت: عجب دارم از ایرانیان که هزار سال سلطنت کردند بدون اینکه ساعتی به ما محتاج باشند و ما صد سال سلطنت کردیم بدون اینکه ساعتی از ایشان بی نیاز باشیم (۴) تا يك قرن و نیم پس از تسلط اعراب همه دفتر و دستکها فارسی بود و این ترتیب در خراسان پنجاه



سال بیشتر ادامه داشت، اصطلاحات دیوانی و مالی ایران در سراسر امپراتوری اسلام از پامیر تا اسپانیا رواج یافت و حتی سکه‌های ساسانی را نیز خلفا و حکمرانان عرب قرن‌ها بکار می‌بردند و هنگامی که خواستند در آن تغییراتی بدهند دستور دادند که در کنار نقش قدیمی این سکه‌ها چند واژه عربی بنویسند، حتی در دوره عباسیان نیز سکه‌هایی ضرب شد که در روی آن نقش آتشکده ایرانی و صورت پادشاهان ساسانی دیده می‌شد و فقط جملاتی به زبان پهلوی یا عربی بدان افزودند و این نوع سکه بتدریج در سراسر امپراتوری اسلام رایج و مرسوم گردید. (۵)

داستان برگرداندن دیوانها را از فارسی به عربی همه شنیده‌ایم خلاصه داستان از این قرار بود که ریاست دفتر و حسابداری اداره درآمد سواد (عراق) بازادان فرخ ایرانی بود و صالح که پسریکی از امرای سیستان بود درین اداره منشیگری می‌کرد روزی صالح ادعا کرد که می‌تواند دیوان را به عربی برگرداند، همکاران ایرانی صالح ازین ادعای او سخت نگران شدند، اما هرچه کردند نتوانستند او را ازین فکر منصرف سازند، درین هنگام حجاج پسر یوسف از طرف عبدالملک در عراق و ایران حکومت می‌کرد، حجاج که در پی فرصت بود وسایل کار صالح را فراهم کرد، گویند همکاران صالح حاضر بودند که صد هزار دینار بوی بدهند تا چنین نکنند و از زیر بار نرفت و باین ترتیب دیوانها عربی شد. (۶)

اما در دوران عباسیان اگرچه دیوان بزبان عربی بود اما زبان و فرهنگ و سازمان دیوانی ایرانیان چنان در دستگاه عباسیان ریشه دوانیده بود که به عقیده عده‌ای از مورخان و نویسندگان دوران عباسی را باید يك دوران تمام ایرانی و دنباله شاهنشاهی ساسانیان دانست، برمکیان که پایه‌گذار تشکیلات دیوانی عباسیان بودند از خراسان بزرگ بودند استفاده از اصطلاحات دیوانی و بکار بردن آداب و رسوم مملکتداری ایران حتی در میان خلفای فاطمی مصر و ممالیک نیز رواج یافت.

رسانس یا نوحاستگی فرهنگ و تمدن ایران در عهد امرای ایرانی مرکز



و مشرق امپراتوری عباسیان به اوج رسید و در عصر محمود غزنوی شکوفان شد. در باره عصر محمود و بخصوص تشکیلات دیوانی دولت وی مطالعات و تحقیقات دقیقی بعمل آمده است اما در باره تشکیلات دیوانی و اداری سلجوقیان کار بزرگی صورت نگرفته است مرحوم عباس اقبال در کتاب پرارزش خود بنام وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی که ترجمه احوال وزرای بزرگ دوران سلجوقی است، مقدمه‌ای در باره تشکیلات دیوانی سلجوقیان بنظر می‌رسد، در این مقدمه ذکر شده است که اساس دیوانها از دیوان سلاطین غزنوی مقتبس بود. برای بررسی تشکیلات دیوانی غزنویان نیز باید کتاب تحقیقی محمد ناظم بنام زندگی و عصر سلطان محمود غزنوی را بررسی نمود، بعقیده محمد ناظم منبع اصلی اطلاعات در باره روشهای اداری غزنویان کتاب سیاستنامه یا سیر الملوك خواجه نظام الملك است، بنابراین آنچه که خواجه در کتاب خود آورده است معرف و مبین روش اداری سلجوقیان می‌تواند باشد. برداشت کلی و اصلی خواجه در این کتاب اینست که به حق پادشاهان ساسانی و بخصوص انوشیروان عادل باید نمونه و سرمشق اداره کنندگان مملکت باشد و همیشه از بزرگمهر وزیر افسانه‌ای انوشیروان که نقش اصلی و اساس حکومت را بر عهده داشت سخن بمیان می‌آورد و بقول ولادیمیر هینورسکی ایرانشناس معروف سیاستنامه خواجه نظام الملك سند مهمی است که تلفیق قدرت نظامی ترکها را با شیوه مملکتداری ساسانیان و و خلفای بزرگ عباسی نشان می‌دهد، شبکه منظم جاسوسان، ارتباطات پستی و پیکرها، اداره سپاهیان، تأسیس مدارس دینی و صدها مورد دیگر، همه دلیل برین مدعاست. پیش از اینکه مقایسه‌ای بمیان بیاوریم و در باره نکات مشترك اداری دو حکومت بحث کنیم لازم است یادآوری شود که دولت سلجوقیان نیز مانند دولت ساسانیان بر دو اصل مهم: تمرکز قدرت و توأم بودن دین و دولت استوار بود، گذشته ازین دو عامل مهم عوامل دیگری نیز وجود داشت که روش حکومت سلجوقیان را به روش حکومت ساسانیان نزدیک می‌کرد، وسعت امپراتوری سلجوقیان از کنار رود سیحون تا دربای



مدیترانه ، توجه فوق العاده به تأسیس دانشگاهها و عمران و آبادی ، اعزام شاهزادگان به حکمرانی نواحی مختلف کشور ، مخالفت شدید با بدعت گزاران و دین سازان . اکنون تا جائیکه فرصت اجازه می دهد ، روشهای اداری دو حکومت را مقایسه میکنیم: پایه حکومت بر طبقات استوار است ، امتیازات طبقاتی در هر دو حکومت مورد تأیید و علاقه زمامداران بود در عهد ساسانیان چهار طبقه متمایز وجود داشت :

âsravân

روحانیون یا آسروان

artêshârân

جنگیان یا ارتشتاران

dibhêrân

مستخدمین ادارات یا دیران

Vâstryôshân

نوده ملت یا روستائیان یعنی واستریوشان

hutukhshân

وصنعتگران یعنی هتخشان

این تقسیم در تمام ادوار اسلامی نیز وجود داشت ، خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری از آن یاد می کند و فرای ایرانشناس آمریکائی در کتاب میراث باستانی ایران آنرا مورد تأیید قرار می دهد<sup>(۲)</sup> . اگر دولت عباسیان را پلی میان دو حکومت مورد بحث بدانیم ، از گفته منصور خلیفه عباسی می توانیم نتیجه بگیریم که در هر سه حکومت اداره کشور در دست پنج کس بوده است . منصور می گوید : چهار نفر برای اداره کشور مورد نیاز من است : قاضی ، داروغه ، تحصیلدار و جاسوس ، بدیهی است نقش وزیر را هم که در رأس این چهار نفر قرار دارد و در حکم مشاور و معاون خلیفه یا شاه است نباید فراموش کرد . با مختصر تفاوتی همین پنج نفر را در اداره امور کشوری ساسانیان و سلجوقیان می توان یافت ، بقول مرحوم عباس اقبال این پنج کس به ترتیب اهمیت عبارت بودند از وزیر بزرگ که چهار دیوان اصلی را تحت اداره خود داشت ، چهار دیوان عبارت بودند از : دیوان استیفا ، دیوان رسائل ، دیوان اشراف و دیوان عرض ، عالی ترین مقام دولتی درین عصر همان مقام وزارت بود ، وزیر یا خواجه بزرگ با صدر کبیر رئیس تشکلات دیوانی و پس از پادشاه حکمش در سراسر مملکت روان بود



(ص ۸) در عصر ساسانیان رئیس تشکیلات مرکزی وزیرك فرماذار Vzurg Farmádhār بود و لقب دیگر در اندرز بدیعنی مستشار دربار بود<sup>(۸)</sup> در عهد سلجوقیان نیز مانند دوره عباسیان وزیر بزرگ سمت وزارت دربار را نیز داشت و مشاور مخصوص شاه بود<sup>(۹)</sup> - بعقیده آننگر محقق و مستشرق آلمانی منصب بزرگ وزارت که خلفا برقرار کردند و سپس در میان همه دول اسلامی متداول گردید تقلید مستقیم از منصب بزرگ فرماذار ساسانیان بود. (۱۰)

اکنون وظایف وزرا را در دو عصر مورد بحث مقایسه می کنیم:

### ۱ - وزیر بزرگ

#### در عصر ساسانیان

وظایف او اداره کردن کشور در تحت نظارت پادشاه بود ولی اکثراً نیز امور را بنا بر رای خود انجام می داد.

بهترین وزیرك فرماذار باید دارای خرد کامل و رفتار بی نقص باشد و از هر حیث سرآمد اقران، جامع خصال حمیده و صاحب احتیاط و تدبیر وافر و دارای عقل نظری و عملی کافی (مانند بزرگمهر) تا چون سروکارش با پادشاهی عیاش و نکوهیده خصال افتد وی را براه راست هدایت کند

تاریخ طبری ۸۶۶ و ۸۴۹

هنگامی که پادشاه در سفر یا در

جنگ بود وزیر اعظم نایب السطنه

#### در عصر سلجوقیان

اولی ترین کاری که اندیشه صافی و نظر شافی بدان گمارند و مجامع رای و همت به ترتیب آن مصروف دارند. وزارت است که مصالح جمهور و منازم امور خلق بدان تعلق دارد و بهاء و آرایش مملکت و نظام و آراستگی دولت از آن حاصل شود.

دستوری متدین و عالم و کافی و خوب سیرت و نیکو سریرت و قوانین ملک شناخته و آئینده دولت دانسته و سیرملوک خواننده و از تجارب روزگار تهذیب یافته اختیار کرده آید تا مارا بر نیکو کاری دارد و راههای خوب نماید و بر آنچه نزدیکتر بود، بمرصات ایزدی و محمدت آجل تحریر کند. مصالح کافه مسلمانان



محسوب می شد مذاکرات سیاسی تکلیف او بود ، حتی می توانست عنداللزوم فرماندهی هم داشته باشد ، مشاور خاص شاهنشاه بود همه شئون کشور را در دست داشت و در هر باب می توانست مداخله کند . (طبری ۸۶۸) پادشاهان ایران بیش از هر سلطانی وزرای خویش را محترم می شمردند و می گفتند وزیر مرتب کننده امور ما وزیر ملک ما و زبان ماست و سلاحی است آماده که خصم ما را در ممالک بعیده هلاک می کند . دستورالوزراء

ص ۱۴۰

یاد دهد و مقرر گرداند . چه ما بهمه حال آن فرمائیم کردن که وزیر گوید و نماید و پیش ما آورد و هر چه فرمائیم اعتماد بر قول او باید داشتن و فصول سخن او همه به اصول انگاشتن ..)

**منشآت دیوانی عهد سلجوقیان . (۱۱)**

در باره فرماندهی وزیر بزرگ ، مشاور خاص شاهنشاه بودن وی ، حق وی برای انجام مذاکرات سیاسی و تکیه زدن بر منصب نیابت سلطنت در شرح احوال نظام الملك مثالهای زندهئی توان یافت که از ذکر آن درین مختصر خودداری می شود .

۲- وزیر مالیه : رئیس دیوان استیفا = و استریوشان سالار

**در دوره ساسانیان**

شخصی که او را و استریوشان سالار می خواندند رئیس مالیات بود . معنی اصلی آن رئیس کشاورزان است چون مالیات ارضی را کشاورزان می پرداختند و چون میزان خرج از روی حاصلخیزی زمین و خوبی و بدی محصول هر بلوک تعیین می شد و استریوشان سالار رئیس مالیات هم بوده است

طبری ص ۸۶۹

**در عصر سلجوقیان**

اولیتر شغلی که عنایت بتمهید قواعد آن مقرون دارند اهتمام بر تشدید ارکان آن مقصور و موفور گردانند و در تفویض و ترتیب آن احتیاط و تنوق نمایند . استیفای مملکت و ضبط اموال ولایت است که مصالح لشکر منصور و مناجح دیوان معمور بدان تعلق دارد و قواعد در نظام الملك و راستی میان لشکر و رعیت بدان حاصل بود و اعمال و اموال مملکت ضبط آید (مجموعه منشآت دیوانی سلجوقیان)



بعقیده کریستن سن سرداران عرب تا موافقت دهقانان ایرانی را برای همکاری جلب نکردند نتوانستند امور مالی کشور را منظم سازند و بطوری که میدانیم در دوران اسلام و بخصوص در عهد غزنویان و سلجوقیان بیشتر وزرا و دیوانیان و مأموران مالیات از میان دهقانان، بخصوص دهقانان خراسان انتخاب میشدند در زمان ساسانیان دهقانان نماینده دولت در میان رعیت و مأمور وصول مالیات بودند (شاهنشاهی ساسانیان ص ۱۳۳)

۳ - دیوان طغرا و رسایل و انشاء: دبیرخانه دول اسلامی نیز مانند صدارت عظمی تقلید کامل از ساسانیان است. (کریستن سن ص ۱۵۴)

### از دوران سلجوقی

### در عصر ساسانیان

رئیس دیوان رسایل و انشاء را	رئیس طبقه دبیران ایران دبیر بد
رئیس یا وزیر یا صاحب دیوان	نام داشته و نامش جزو مقربان
رسایل می گفتند و او در حقیقت	پادشاه ذکر می شده و گاهی مأموریت
رئیس دبیرخانه سلطانی بود...	های مهم سیاسی با و محول میشده،
غالباً از دربار سلطان بعنوان رسالت	رئیس دیوان رسایل یزدگرد اول
در سفارت مأمور می شد.	یووانوا yuvânôe نام داشته که
وزارت در عهد سلجوقیان، اقبال ص ۲۹	همان دبیر بد (است طبری ص ۱۹۵)

علاوه بر وزارت های دیگر، سایر تشکیلات و سازمان های اداری سلجوقیان را نیز می توان با تشکیلات دیوانی ساسانیان مقایسه کرد از آن جمله است قضاوت عیون و جواسیس، ارتباطات، سفارت و موارد دیگر که برای دوری از تطویل کلام از ذکر آن خود داری می کنیم.

در خاتمه باید ذکر شود که تشکیلات دیوانی سلجوقیان توسط امرا و پادشاهان محلی سلجوقی در آسیای صغیر نیز تقلید و اقتباس گردید و سپس پادشاهان آل عثمان آنرا پذیرفتند و از این راه بسیاری از رسوم و مقررات و اصطلاحات دیوانی در اروپا نیز معمول و متداول گردید که از آن جمله کلمه چک را میتوان بعنوان نمونه ذکر کرد.



برای تهیه این مختصر از منابع زیر استفاده بعمل آمده است :

تاریخ طبری	وزارت درعهد پادشاهان سلجوقی، اقبال
راحت الصدور راوندی	مجموعه منشآت عصر سلجوقی سلطان
سیرالملوک خواجه نظام الملک	محمود غزنوی ، محمد ناظم
	میراث ایران، عده‌ای از خاورشناسان

(۱) لوی - استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کمبریج درص ۱۱۸ کتاب میراث ایران پس از نقل این متن اضافه میکند که کشورداری ساسانیان در میان رهبران قوم عرب معروفیت افسانه‌وار عجیبی داشت .

(۲) - الفخری چاپ الوارت ص ۱۰۱

(۳) - میراث ایران ، لوی ص ۱۱۹

(۴) - عماد کاتب مختصر تاریخ سلاجقه ص ۵۷

(۵) - میراث ایران ص ۱۲۱ و ص ۲۸۷

۶ - بلاذری

(۷) - ص ۳۸۷

(۸) کریستن سن ، شاهنشاهی ساسانیان ص ۱۳۴ ترجمه رشید یاسمی نقل از کتیبه کعبه زردشت.

(۹) - سیرالملوک چاپ دارک ص ۳۰

(۱۰) - کریستن سن، شاهنشاهی ساسانیان ص ۱۳۶ ترجمه رشید یاسمی نقل از مجله مطالعات شرقی آلمان

۱۱ - اصل منشآت در کتابخانه شرقی لنینگراد است و نسخه عکسی آن در اختیار مرحوم اقبال بوده است.